

**تحلیل جامعه‌شناختی از وضعیت فرهنگ شهروندی
(مورد مطالعه: شهروندان ۱۵ سال به بالای شهر اقلید)**

اسفندیار غفاری نسب^۱
محمدعلی قاسمی نژاد^۲
سید ابراهیم مساوات^۳
سید مهدی حبیبی فراشبندی^۴

تاریخ وصول: ۱۳۹۸/۰۱/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۵/۰۷

چکیده

شهروندی یکی از مهم‌ترین مفاهیم و ایده‌های اجتماعی است که در دهه‌های اخیر محل توجه اندیشمندان جامعه‌شناس قرار گرفته است. شهروندی از شاخص‌های مهم پیشرفت در کشورهای در حال توسعه است که می‌تواند به حل معضلات اجتماعی کمک کند. در این تحقیق با استفاده از نظریه‌های مارشال، ژانوسکی، فالكس و ترنر به بررسی فرهنگ شهروندی شهروندان شهر اقلید پرداخته شده است. روش این پژوهش، پیمایش و ابزار گردآوری داده‌ها پرسش‌نامه است. جامعه آماری تحقیق شهروندان ۱۵ سال به بالای شهر اقلید است که تعداد ۴۰۰ نفر از آنان به عنوان نمونه با استفاده از نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب و مورد بررسی قرار گرفته‌اند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که میزان فرهنگ شهروندی شهروندان اقلیدی در حد متوسط به بالایی می‌باشد. بررسی فرضیه‌ها نشان داد متغیرهای جنسیت، وضعیت تأهل، باورهای مذهبی، هویت اجتماعی، میزان استفاده از رسانه و آگاهی سیاسی رابطه‌ی معنی‌داری با فرهنگ شهروندی دارند. در معادله رگرسیونی نیز چهار متغیر هویت اجتماعی، میزان دینداری، میزان استفاده از رسانه و آگاهی سیاسی توانسته‌اند ۲۲/۵ درصد ($R^2=0/225$) از تغییرات متغیر وابسته را پیش‌بینی کنند.

واژگان کلیدی: فرهنگ شهروندی، رعایت قوانین، مسئولیت‌پذیری، مشارکت، آگاهی سیاسی.

s.ghafarinasab@gmail.com

۱- دانشیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه شیراز، ایران. (نویسنده مسئول).

۲- دانش‌آموخته کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه شیراز، ایران.

۳- دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه یاسوج، ایران.

۴- دانش‌آموخته کارشناسی ارشد روان‌شناسی و آموزش کودکان استثنائی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

مقدمه

امروزه شهروندی هم به عنوان هدف و هم معیار کیفیت زیستی جوامع و مشروعیت حکومت‌ها، اهمیت ویژه‌ای یافته است. در تعاریف متفاوتی که از شهروندی ارائه شده است، تعبیر مشترکی وجود دارد که عنصر اساسی آن حقوق و وظایف می‌باشد. شهروندی رابطه‌ی بین فرد و جامعه را در قالب حقوق و مسئولیت‌ها بازنمایی می‌کند. شهروندی هر دو عنصر فرد گرایانه و جمع گرایانه را در خود دارد بدین ترتیب که شهروندی از یک طرف با اعطای حقوق، فضای لازم را به فرد می‌دهد که فارغ از هرگونه دخالت، منافع خود را دنبال نماید و هم‌چنین فرد را قادر می‌سازد که دستی در شکل دادن به نهادهای حکومتی عمومی داشته باشد و از طرف دیگر بر مسئولیت‌هایی که باید برای پایداری جوامع سیاسی و محیط طبیعی‌مان بپذیریم، تأکید می‌کند. بنابراین تنها در این بستر اجتماعی است که روابط انسانی پایدار می‌باشد (فالکس، ۱۳۸۱: ۱۲-۱۰).

فرهنگ شهروندی از ابعاد جدید مفهوم شهروندی است که در دوران معاصر در کانون توجه محققان قرار گرفته است و به مثابه نوعی فرآیند اجتماعی از قرن نوزدهم در جوامع مدنی با محوریت نوع روابط بین دولت-ملت مورد توجه قرار گرفت. شهروندی یک نوع قرارداد متقابل اجتماعی و یک سلسله حقوق متقابل «دولت بر مردم» و «مردم بر دولت» و «یک احساس مشترک نسبت به هویت ملی و اجتماعی» در یک محدوده مشخص است (عاملی، ۱۳۸۰: ۱۷۰). در شکل‌گیری فرهنگ شهروندی یک دسته از نهادهای اجتماعی، فرهنگی چون رسانه و مطبوعات، دین و آگاهی سیاسی و ... با توجه به اهداف کاربری شان در شهرها اثر گذارند. لذا بررسی این نهادهای اجتماعی، فرهنگی جهت تبیین وضعیت فرهنگ شهروندی ضرورت دارد.

در ادبیات توسعه، شاخص‌های متعدد و گوناگونی برای تبیین میزان توسعه جوامع وجود دارد. شاخص‌های مزبور در ابتدای رواج مفهوم توسعه بیشتر جنبه اقتصادی داشتند اما با گذشت زمان به ترکیبی از عوامل مادی و غیر مادی تغییر یافته‌اند. در جهان کنونی از میان این شاخص‌ها، فرهنگ شهروندی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار می‌باشد. شهروندی در نظر فالکس موقعیتی است که رابطه میان فرد و جامعه را برقرار می‌کند. شهروندی چارچوبی برای تعامل افراد درون جامعه مدنی فراهم می‌کند. امتیازی که شهروندی بر دیگر هویت‌های اجتماعی دارد این است که دارای یک برابری فراگیر می‌باشد که دیگر هویت‌ها نظیر طبقه، مذهب یا قومیت فاقد آن هستند (فالکس، ۱۳۸۱: ۸۱). امروزه آگاهی از حقوق و وظایف شهروندی و فرصت برابر جهت مشارکت همه شهروندان در امور جامعه از مباحث چالش برانگیز در جامعه است. با فرض مطلوبیت تحقق ایده فرهنگ شهروندی، این سوالات در ذهن شکل می‌گیرد که آیا امکان تحقق چنین امری در تمامی جوامع وجود داشته و دارد؟ یا اصولاً عوامل تأثیرگذار در تحقق و گسترش فرهنگ شهروندی کدامند؟

تحلیل جامعه‌شناختی از وضعیت فرهنگ شهروندی (مورد مطالعه ...)

از جمله عواملی که می‌تواند سبب مشارکت هر چه بیشتر شهروندان در حیات اجتماعی گردد و حس مثبت شهروندی را در آنان برانگیزاند، دین و رسانه می‌باشد (کتابی و همکاران، ۱۳۸۵: ۱۷۵). رسانه‌ها ابزاری کارآمد و امتحان‌پس‌داده هستند که به طرق گوناگون می‌توانند زمینه تسهیل مشارکت شهروندان و همکاری آنان را برای اداره بهتر شهر فراهم بیاورند. باورهای دینی نیز از این جهت که جهان‌بینی و باورهای اساسی هر فرد در خصوص خدا، انسان و اجتماع را شکل می‌بخشند، می‌توانند در شکل دادن به نگرش‌های سیاسی-اجتماعی افراد موثر باشند.

در پژوهشی علمی که این پژوهش بر اساس آن تدوین یافته، به بررسی وضعیت فرهنگ شهروندی و عوامل فرهنگی موثر بر آن در شهر اقلید پرداخته شده است. با توجه به جوان بودن جمعیت شهر، - جوانان بیش از هر گروه دیگری به آگاهی از وضعیت شهروندی در جامعه نیاز دارند تا بتواند به گونه موثر در جامعه مشارکت کنند- و نیز معضلات شهری شدن هم‌چون رشد و تراکم جمعیت شهری، گسترش میزان استفاده از رسانه‌ها، مصرف ناپایدار، آلوده کردن محیط زیست، عدم احساس تعلق به شهر و حتی محله، کمبود منابع شهری و رقابت در دستیابی به این منابع، تنوع فرهنگی بدون مدارا و مطالبات اجتماعی، سیاسی جوانان برای مشارکت در تعیین سرنوشتشان توجه به شهروندی و نظام شهری در این شهر ضروری به نظر می‌رسد.

مرور پژوهش‌های پیشین بیانگر این است که در میان تحقیقات داخلی، آن نوع تحقیقاتی که به طور مستقیم وارد حوزه‌ی مسایل فرهنگ شهروندی شده باشد، بسیار نادر است. اغلب پژوهش‌ها، تحلیلی و غیر تجربی هستند و یا اینکه به طور کلی به مفهوم شهروندی و دیگر ابعاد آن (حقوق شهروندی، رفتار شهروندی و رفتار سازمانی شهروندی و ...) پرداخته‌اند. از میان پژوهش‌های انجام شده می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

مهدوی و اسمی جوشقانی (۱۳۹۲) در پژوهشی به بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر اخلاق شهروندی جوانان کاشان پرداخته‌اند. جامعه آماری جوانان ۳۵-۱۸ شهر کاشان است که ۳۹۸ نفر به عنوان حجم نمونه برگزیده شده است. روش تحقیق پیمایشی و ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه بوده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که عرصه عمومی، خانواده، آشنایی با مفاهیم جدید، پایگاه اجتماعی، سن و جنس با اخلاق شهروندی رابطه‌ی معناداری وجود دارد. هم‌چنین نتایج تحلیل رگرسیونی نشان می‌دهد که با توجه به ضریب تعیین تعدیل شده‌ی کلی متغیرهای باقی مانده در معادله رگرسیون با همدیگر $31/9$ درصد از متغیر وابسته را تبیین می‌کند.

حقیقتیان و فرنام (۱۳۹۱) در تحقیقی به مطالعه عوامل اجتماعی رعایت قوانین شهروندی در بین شهروندان اردبیلی پرداخته‌اند. روش پژوهش از نوع همبستگی بوده و اطلاعات با یک پرسشنامه ۳۱ سوالی و به طریق نمونه‌گیری چند مرحله‌ای تکمیل گردیده است. جامعه آماری تحقیق کلیه شهروندان بالای ۱۸ سال ساکن در شهر اردبیل و حجم نمونه ۳۸۳ نفر می‌باشد. بر اساس یافته‌های تحقیق $8/6$

درصد از افراد مورد مطالعه، نسبت به قوانین شهری، دارای قانون‌پذیری پایین، ۵۵/۱ درصد دارای میزان قانون‌پذیری متوسط ۳/۳۶ درصد دارای قانون‌پذیری بالا هستند. همچنین طبق یافته‌های تحقیق، ارتباط بین رعایت قوانین و متغیرهای فردگرایی و نظارت اجتماعی و داشتن ابزار و وسایل اجتماعی برای رسیدن به اهداف فرهنگی و جنس معنادار است.

محمودی (۱۳۹۰) در تحقیقی به تحلیل محتوا و تصاویر کتاب‌های درسی تعلیمات اجتماعی دوره راهنمایی تحصیلی از منظر نوع رویکرد آموزش شهروندی پرداخته است. روش پژوهش تحلیل محتوا از نوع کمی بوده و نمونه آن، کل جامعه آماری یعنی کتاب‌های تعلیمات اجتماعی دوره راهنمایی تحصیلی بوده است. از تحلیل کتاب‌های درسی سه پایه دوره راهنمایی این نتیجه به دست آمد که بیش‌تر محتوای کتاب‌ها به آموزش شهروند قانون‌مدار با ۴۵/۵ درصد پرداخته است. آموزش شهروند مشارکتی با ۳۶/۰۶ درصد در مرتبه بعدی قرار دارد و آموزش شهروند انتقادی با ۱۸/۴۴ درصد کمترین نسبت را به خود اختصاص داده است. تعداد کل تصاویر سه پایه ۱۱۹ تصویر است که ۶۵ درصد در کتاب پایه اول، ۵۳ درصد در کتاب پایه دوم و ۳۲ درصد در کتاب پایه سوم است. یکی از مسایل که مورد توجه رویکرد آموزش شهروند انتقادی است عدالت و برابری است. یافته‌ها نشان می‌دهد در پایه اول ۵۳ درصد و کتاب دوم با ۱/۸ درصد و کتاب سوم ۸/۷ درصد تصاویر دارای نماد زنانه است. نداشتن فنون تأکید برای فهم پیام تصاویر کتاب یکی از نقدهای کتاب می‌باشد.

آکار^۱ (۲۰۱۲) تحقیقی با عنوان «آموزش شهروندی در لبنان: تدریس معلمان در کلاس‌های مدارس ملی» انجام داده است. هدف وی در این تحقیق ارزیابی رویه‌های آموزش شهروندی در کلاس‌های مدارس ملی در لبنان بوده است که به وسیله‌ی بررسی عمیق در آموخته‌های معلمان از آموزش شهروندی و انعکاس آن در تدریس شهروندی صورت گرفته است. روش تحقیق کیفی بوده که در مصاحبه نیمه ساختارمند با ۱۹ نفر از معلمان مدارس خصوصی مناطق مختلف صورت گرفت. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که روابط متقابل پیچیده‌ای بین مفاهیم شهروندی در سطح ملی، فنون یادگیری تکراری، واکنش احساسی به موضوعات مناقشه‌انگیز و فرصت‌های محدود برای تفکر انتقادی و درگیر شدن در گفتگوی کلاسی وجود دارد.

فلوم^۲ (۲۰۱۱) تحقیقی با عنوان «مهاجرت و رابطه متقابل بین شهروندی، هویت و حرفه: مطالعه موردی مهاجرین اتیوپیایی» انجام داده است. این تحقیق در واقع به رابطه متقابل سه مفهوم بنیادی در تجارب مهاجرین اتیوپیایی می‌پردازد: شهروندی، هویت و حرفه. روش این تحقیق پیمایشی است و ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه بوده که از در بین ۹۶ دانشجوی مهاجر اتیوپیایی تکمیل شده است. نتایج تحلیل نشان دهنده تنش بین حصر، شمول، برابری و نابرابری، کار و خانواده، تفاوت‌های نسلی و تغییر

1- Akar

1- Flum

نقش جنسیتی است. این موضوعات در متن شهروندی فعال و حرفه مهاجرین مورد بررسی قرار گرفته است. توسعه حرفه به فرایند تأیید شهروندی و تشویق احساس تعلق مرتبط است. هویت نیز در معنای جمعی و فردی نقش مهمی را در فصل مشترک شهروندی و حرفه ایفا می‌کند.

آلاباس^۱ (۲۰۱۰) تحقیقی با عنوان «تصورات دانش آموزان مقطع ابتدایی از شهروندی» انجام داده است. او در این تحقیق کوشیده است تا ادراک دانش‌آموزان ابتدایی ترک را از مفهوم شهروندی تعریف کند. روش تحقیق مطالعه کیفی است که با استفاده از مصاحبه نیمه ساختارمند صورت گرفته است و حجم نمونه آن ۳۰ دانش‌آموز سال چهارم ابتدایی شهر استانبول است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که شهروندی در دیدگاه آنان در چهار مقوله اصلی: زندگی در کشور، تعلق به ملتی خاص، جوان بودن و تأکید بر هویت ملی طبقه‌بندی می‌شد.

تحقیقات انجام گرفته دارای نقاط ضعف و قوت می‌باشند، از جمله نقاط ضعف این تحقیقات، در نظر نگرفتن ابعاد مختلف فرهنگ شهروندی، توصیف پدیده و عدم تبیین مناسب موضوع می‌باشد. از نقاط قوت آن نیز می‌توان به بررسی گسترده بنیان‌های نظری شهروندی، کاربرد روش‌های کیفی اشاره کرد. در ادامه موضوع در خصوص نظریه‌های شهروندی باید گفت که مفهوم شهروندی را در چهار بخش نظریه‌های کلاسیک، مدرن، پسامدرن و فمینیستی می‌توان مورد بررسی قرار داد. مفهوم شهروندی به آثار ارسطو بر می‌گردد. وی شهروند را فردی می‌داند که به‌عنوان یک موجود سیاسی اجتماعی در امور جامعه‌اش مشارکت دارد و از طریق این مشارکت قادر است تا هستی اجتماعی - سیاسی‌اش را تحقق بخشد. جامعه‌شناسان کلاسیک مخصوصاً وبر، دورکیم و تونیس معتقدند که هویت، عضویت و تعهد عقلانی، عرفی و مدنی جدید برای اعضای جامعه در قالب پدیده شهروندی هستند که به مشارکت سیاسی - اجتماعی، فرهنگی و دمکراتیک منجر می‌شود.

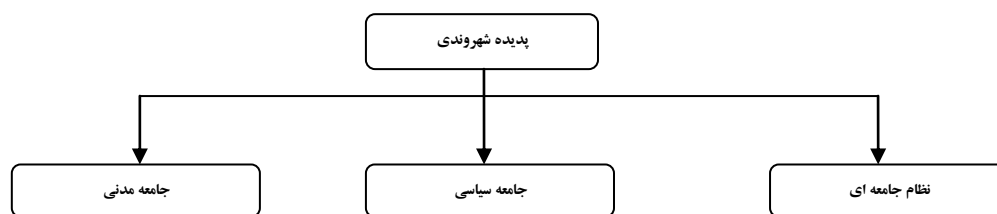
شهروندی مدرن حول سه محور عمده است که عبارتند از: (۱) برابری همه شهروندان در حقوق، تکالیف و تعهدات اخلاقی سیاسی - اجتماعی. (۲) احساس تعلق، عضویت و هویت اجتماعی فراگیر برای مشارکت جدی در جامعه سیاسی. (۳) بهره‌مندی یکسان و عادلانه از امتیازات، مزایا و منابع جامعه، صرف نظر از ویژگی‌های قومی و نژادی و طبقات (ترکمان و بهمن پور، ۱۳۸۹). شهروندی مدنی، سیاسی و رفاهی مارشال، همچنین شهروندی مارشال، ترنر، گیدنز و فالکس در این دسته قرار می‌گیرد. از نظر مارشال (۱۹۵۰)، سه حق عمده شهروندی در سه قرن اخیر به وجود آمده است (اول از همه) حقوق مدنی است. حقوق مدنی عبارت است از آزادی‌های حزبی، آزادی فکر و اندیشه، ایجاد توقعات برابری و قضاوت بی‌طرفانه در نظام حقوقی. مارشال حقوق مدنی را زیربنای آزادی مرزی و سرمایه‌گذاری اقتصادی می‌داند. بعد از آن حقوق سیاسی است که عبارت از حقوقی است که امکان مشارکت مردم در تصمیمات عمومی کشور یا تشکیل احزاب سیاسی و برگزاری انتخابات را فراهم می‌کند. شهروندی سیاسی هم‌چنین

1. Alabas

این امکان را فراهم می‌کند که هر یک از شهروندان امکان دسترسی مستقیم به موقعیت‌های سیاسی در مقام رهبری احزاب، دولت و یا سایر حلقه‌های قدرت را به دست آورند. سومین حق را حقوق اجتماعی می‌داند که عبارت از حقوقی است که امکانات رفاهی حمایتی از افراد خانواده‌های آسیب‌پذیر را، به منظور ایجاد تعادل در زندگی رفاهی آن‌ها، فراهم می‌آورد. حقوق اجتماعی عموماً شامل کمک‌های مالی و رفاهی به افراد کهنسال، معلول و افراد و خانواده‌های بیکار می‌شود. همچنین فراهم کردن شرایط مساوی بهره‌مندی از امکانات آموزشی، مسکن و سلامتی برای همه‌ی اعضای جامعه می‌باشد (باربالت، ۲۰۱۰، مارشال ۱۹۵۰).

ترنر ادعا نموده است که تاریخ مدرن شهروندی، را می‌توان به مثابه یک سلسله دایره‌های گسترش یابنده‌ای تلقی کرد که به وسیله نیروی حرکت برخورد و مبارزه به پیش رفته است. جنبش شهروندی از مفهوم خاص به مفهوم عام ترقی نموده چرا که ارائه تعاریف خاص از افراد به منظور طرد آن‌ها به طور فزاینده غیرعقلانی به نظر رسیده و با مبنای نظام سیاسی مدرن در تعارض قرار گرفته است (ترنر، ۱۹۸۶). وی معتقد است، شهروندی اجتماعی، رفاهی و سیاسی متکی به شهروندی اقتصادی و فرهنگی است. وی شهروندی را مجموعه‌ای از حقوق و الزامات اجتماعی می‌داند که به افراد هویت رسمی قانونی می‌دهد. این حقوق و الزامات قانونی به لحاظ تاریخی منشأ به وجود آمدن نهادهای اجتماعی از قبیل نظام قضایی، پارلمانی و دولت‌های رفاه شده است. ترنر در الگوی جامعه‌شناسی از شهروندی، چهار منبع اساسی یعنی شهروندی، هویت، جماعت و منابع (اقتصادی، فرهنگی و سیاسی) را در تعامل با یکدیگر می‌داند. از نظر وی شهروندی علاوه بر ایجاد فرصت حقوقی یک نوع «هویت فرهنگی خاص» را هم برای فرد و هم برای گروه ایجاد می‌کند. وی منابع را شامل منابع اقتصادی، فرهنگی و سیاسی می‌داند که هر شهروند از آنها بهره‌مند می‌شود و هر شهروند دارای حقوقی است (عاملی، ۱۳۸۰: ۱۷۸).

آنتونی گیدنز از نظریه‌پردازان اجتماعی معاصر معتقد است که پدیده‌های مدرن از جمله پدیده‌های شهروندی، برخوردار از یک پیشینه تاریخی بلند مدت و کوتاه مدت هستند، از این رو برای بررسی تکوین و توسعه تاریخی، اجتماعی پدیده شهروندی و نیز گسترش مفهوم نظری آن ضروری است که این سیر تاریخی دوگانه توأمان و به طور مختصر وارد می‌شود. وی ارتباطی دوسویه و ناگسستنی بین مفهوم شهروندی و جامعه در نظر می‌گیرد:



(منبع: گیدنز، ۱۹۹۳)

ژانوسکی معتقد است که در چند دهه گذشته در رابطه با موضوع شهروندی سه تغییر سیاسی مهم رخ داده است: ۱- مورد تهدید واقع شدن حقوق شهروندی به وسیله برخوردهای فزاینده عمومی و حتی دولتی نسبت به دولت رفاه، ۲- ناتوانی کمونیست‌ها در کنترل اروپای شرقی، و ۳- ادعاهای فزاینده بین‌المللی درباره حقوق شهروندی از سوی مهاجران و پناهندگان سیاسی. اولین تغییر به تحولات داخلی مفهوم حقوق شهروندی برای شهروندان فقیر و محروم مربوط است، در حالی که دومین تغییر در بردارنده خلق مجدد شهروندی و جامعه مدنی در گذار به دموکراسی و سرمایه داری است، و تغییر سوم به حقوق دولت-ملت مربوط است که به حفاظت شهروندانی می‌پردازد که در درون مرزهای کشور از سوی بیگانگانی از گروه‌های قومی و نژادی مختلف تحت محاصره می‌باشند، خصوصاً زمانی که این بیگانگان در جست و جوی رهایی از رفتارهای خشن اقتصادی و تهدیدات سیاسی هستند (ژانوسکی، ۱۹۹۸: ۱۰).

وی شهروندی را این چنین تعریف می‌کند: «عضویت فعال و منافع‌آفرین در چارچوب یک دولت-ملت که همراه با حقوق و تعهدات همگانی در سطح مشخص شده‌ای از برابری می‌باشد» (همان، ۴).

ژانوسکی نظریه مارشال و ترنر و بندیکس را به واسطه پذیرش مدل سه‌تایی حقوق، و اینکه حقوق نامتجانس را با هم یکی کرده‌اند مورد نقد قرار داده است، و معتقد است این نظریات در مواجهه با حقوق چانه زنی جمعی، حقوق مشتری، شورای کارگران مشکلاتی را تجربه می‌کنند. حقوق چهارگانه مدل ژانوسکی به این قرار است: ۱- حقوق قانونی ۲- حقوق سیاسی ۳- حقوق اجتماعی ۴- حقوق مشارکت (ترکمان و بهمن پور، ۱۳۸۹: ۱۸).

فالکس^۱ شهروندی را یک موقعیت عضویت تعریف می‌کند که شامل مجموعه‌ای از حقوق، وظایف و تعهدات است و بر برابری، عدالت و استقلال دلالت دارد (فالکس، ۱۳۸۱: ۱۵). ویژگی کلیدی معرف شهروندی که آن را از تابعیت^۲ صرف متمایز می‌کند وجود یک اخلاق مشارکت است. شهروندی نه یک موقعیت منفعلانه بلکه یک موقعیت فعالانه است. وی معتقد است شهروندی همواره یک ایده دوجانبه و بنابراین یک ایده اجتماعی است. این ایده نمی‌تواند صرفاً مجموعه حقوقی باشد که فرد را از تعهد به دیگران رها کند. شهروندی بر یک تعریف ساده و ایستا دلالت ندارد بلکه همواره مجموعه خاصی از روابط و انواعی از شیوه اداره را انعکاس می‌دهد که در هر جامعه مفروضی یافت می‌شوند. وی شهروندی را دارای چهار بعد می‌داند. این چهار بعد عبارتند از بستر، گستره، محتوا و عمق. بستری که شهروندی در آن اعمال می‌گردد به شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آن جامعه بستگی دارد (همان، ۱۶).

در نظریه پوپر بر هویت مدنی در قالب مفهوم فرهنگ شهروندی تکیه شده است، وی اشاره کرده است که مدیریت شهری باید برای تحکیم و بسط فرهنگ شهروندی در کنار حوزه‌های آموزشی‌ای چون خانواده و آموزش و پرورش، فضاهای اجتماعی فرهنگی دیگری را در جای جای شهر به وجود آورد که

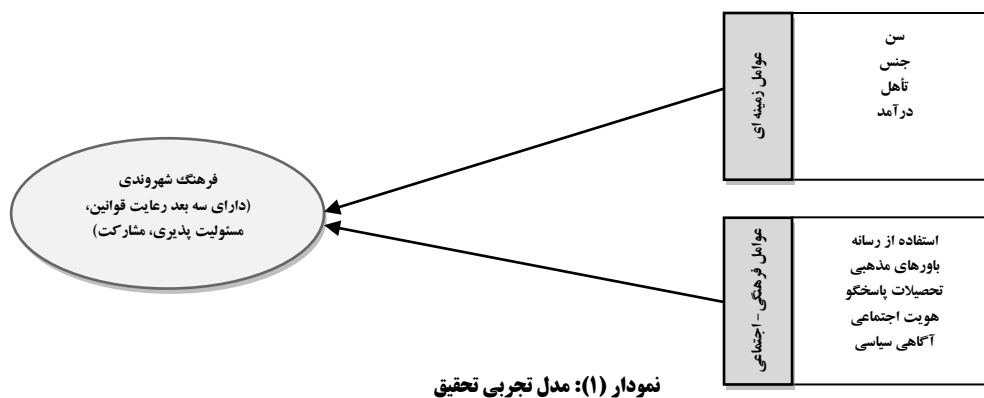
1. Faulks. K
2. subjecthood

کارکرد اصلی این فضاها در زمینه توسعه و آموزش فرهنگ شهروندی و شهرنشینی باشد. نظریه جمهوری خواهی مدنی بر هویت اجتماعی و تکالیف شهروندی تأکید دارد (هاشمیان فر و عجمی، ۱۳۹۱: ۲۱۵). محوریت اندیشه‌های این دسته از نظریه‌ها حول محور گروه‌های خاص نظیر زنان و اقلیت قومی و نژادی و به طور کلی گروه‌هایی است که در آرای اندیشمندان قبلی مورد غفلت قرار گرفته‌اند. مومنیان (۱۹۸۹)، پیتمن (۱۹۸۹)، یونگ (۱۹۸۹)، گلیسر (۱۹۸۸) و ریتزر از جمله اندیشمندان این دسته می‌باشند. محورهای اصلی مورد نظر این نظریه‌پردازان به صورت کلی عبارت است از:

۱- طرد جداسازی حوزه خصوصی و حوزه عمومی؛ و اختصاص حوزه خصوصی به زنان و حوزه عمومی به مردان.

۲- طرد ادعای دموکراسی غربی مبنی بر ایده شهروندی شمول‌گرای غربی، زیرا در این صورت تنوع و تکرار اعضای اجتماع از جمله اقلیت‌های قومی و گروه‌های خاص نادیده گرفته می‌شود. در چارچوب نظری این پژوهش، برای تبیین ابعاد شهروندی (رعایت قوانین، مسئولیت پذیری و مشارکت اجتماعی) از چهار نوع حقوق (مدنی، سیاسی، اجتماعی و مشارکت) مطرح شده در نظریه ژانوسکی، مارشال و ترنر و پوپر استفاده شده است. همچنین با توجه به نظریه فالکس شهروندی فراتر از یکسری حقوق، به شکل فرایند لحاظ شده است. به‌علاوه اینکه در نظر وی، آگاهی منجر به اعمال شهروندی و تلاش برای احقاق حقوق شهروندی می‌گردد.

دین و رسانه نیز از جمله عوامل تأثیر گذار در نهادینه کردن اصول شهروندی در آحاد مردم است. به نظر می‌رسد در جامعه ایران، بخش عمده‌ای از اصول شهروندی ریشه در باورهای دینی دارد. همچنین رسانه با توجه به گستردگی و پیشرفت روزافزون آن، نقش به‌سزایی در آگاهی بخشی در این زمینه دارد. از نظریات ترنر و ژانوسکی برای بررسی تأثیر متغیرهای باورهای مذهبی، میزان استفاده از رسانه، جنسیت، سن، تحصیلات همچنین آگاهی سیاسی به نیابت از منابع سیاسی بر فرهنگ شهروندی استفاده گردیده است. بر این اساس، درآمد افراد در قالب منابع اقتصادی، میزان تحصیلات، دینداری و استفاده از رسانه‌ها در قالب منابع فرهنگی و آگاهی سیاسی در قالب منابع سیاسی جایگزین شده‌اند.



با توجه به مبانی نظری و تجربی و مدل تحقیق، این پژوهش به دنبال آزمون فرضیه‌های زیر است:

- ۱- بین وضعیت جنس و فرهنگ شهروندی تفاوت معنادار وجود دارد
- ۲- بین وضعیت تأهل و فرهنگ شهروندی تفاوت معنادار وجود دارد
- ۳- بین میزان تحصیلات پاسخگویان و فرهنگ شهروندی تفاوت معنادار وجود دارد
- ۴- بین سن و فرهنگ شهروندی رابطه معنادار وجود دارد
- ۵- بین درآمد و فرهنگ شهروندی رابطه معنادار وجود دارد
- ۶- بین میزان استفاده از رسانه و فرهنگ شهروندی رابطه معنادار وجود دارد
- ۷- بین باورهای مذهبی و فرهنگ شهروندی رابطه معنادار وجود دارد
- ۸- بین هویت اجتماعی و فرهنگ شهروندی رابطه معنادار وجود دارد
- ۹- بین آگاهی سیاسی و فرهنگ شهروندی رابطه معنادار وجود دارد.

روش

پژوهش حاضر بر اساس رویکرد کمی تحقیق و با استفاده از روش پیمایشی و ابزار پرسشنامه به جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات مورد نیاز پرداخته است. روایی^۱ پژوهش به شیوه‌ی اعتبار صوری و با مراجعه و تبادل نظر با افراد متخصص و صاحب‌نظر تضمین گردید. بدین منظور، پرسشنامه طراحی شده به همراه چارچوب نظری و فرضیات پژوهش در اختیار اساتید و متخصصین قرار داده شد و نقطه نظرات آن‌ها در تدوین نهایی پرسشنامه مورد استفاده قرار گرفت. برای سنجش پایایی ابزار اندازه‌گیری نیز، از آلفای کرونباخ استفاده شد. روش آلفای کرونباخ برای محاسبه همبستگی درونی ابزار سنجش از جمله پرسشنامه یا آزمون‌هایی که خصیصه‌های مختلف را اندازه‌گیری می‌کنند، به کار می‌رود. آلفای کرونباخ به دست آمده برای مشارکت‌جویی ۰/۸۱، مسئولیت‌پذیری ۰/۹۵، رعایت قانون ۰/۹۶، باورهای دینی ۰/۹۲، هویت اجتماعی ۰/۸۱، میزان استفاده از رسانه ۰/۷۲ و آگاهی سیاسی ۰/۷ می‌باشد. جامعه آماری در این تحقیق کلیه شهروندان بالای ۱۵ سال شهر اقلید می‌باشد که با استفاده از فرمول کوکران حجم نمونه ۳۸۰ نفر از شهروندان تعیین گردید، اما برای اطمینان خاطر، پرسشنامه‌ها در بین ۴۰۰ نفر توزیع شد. نمونه‌گیری با روش خوشه‌ای چند مرحله‌ای صورت گرفت.

هم‌چنین متغیر وابسته این تحقیق فرهنگ شهروندی می‌باشد. شهروندی را می‌توان عضویت فعال و منفعل افراد در یک دولت و ملت با حقوق و تعهدات همگانی در یک سطح مشخص شده‌ای از برابری می‌باشد، تعریف کرد (ژانوسکی، ۱۹۹۸). با توجه به مباحثی که در بخش نظری مطرح شد، برای فرهنگ شهروندی سه بعد (رعایت قوانین، مسئولیت‌پذیری و مشارکت) در نظر گرفته شده است که هر یک از این ابعاد در قالب طیف لیکرت و در سطح فاصله‌ای مورد سنجش قرار گرفت.

1- validity

یافته‌ها

یافته‌های توصیفی؛ بر اساس داده‌های تحقیق، ۳۲/۳ درصد از پاسخ‌گویان مجرد و ۶۴/۵ درصد متأهل هستند. از بین پاسخ‌گویان کم‌ترین سن ۱۵ سال و بیش‌ترین ۷۱ سال است. میانگین سنی پاسخ‌گویان نیز ۳۳/۳۵ است. از نظر میزان تحصیلات، یافته‌ها نشان داد که میزان تحصیلات ۲۹/۳ درصد زیر دیپلم، ۱۴/۳ درصد دیپلم، ۴۷/۸ درصد فوق دیپلم، ۸/۸ در سطح لیسانس و بالاتر قرار داشتند. در این پژوهش سه مؤلفه برای فرهنگ شهروندی با توجه به متون و دیدگاه‌های موجود مطرح شدند. نتایج نشان می‌دهد که پاسخ‌گویان حاضر در این پژوهش از مشارکت اجتماعی سطح پایین برخوردارند (میانگین ۲/۴۹ از ۵). در واقع مطلوب نبودن میزان مشارکت جوئی شهروندان را می‌توان نتیجه بی‌اعتمادی اجتماعی یا عدم فرهنگ مشارکت دانست. میزان بالای نگرش افراد به مسئولیت‌پذیری (میانگین ۴ از ۵) در قبال جامعه، خانواده و کارهای خود و همچنین گرایش زیاد به پیروی از قانون (میانگین ۴/۱ از ۵) از دیگر یافته‌های این پژوهش است. با ترکیب این ابعاد سه‌گانه می‌توان به این نتیجه رسید که شهروندان در مجموع در خصوص فرهنگ شهروندی نمره ۳/۵ از ۵ گرفته‌اند. این عدد نشان می‌دهد پایبندی متوسط به بالایی به فرهنگ شهروندی در میان پاسخ‌گویان وجود دارد. در ادامه شش فرضیه‌ی تحقیق بررسی می‌شود:

یافته‌های استنباطی؛ فرضیه یک: فرهنگ شهروندی بر حسب جنسیت شهروندان

دارای تفاوت معناداری است

نتایج آزمون مقایسه میانگین فرهنگ شهروندی به تفکیک جنسیت در جدول یک آمده است. میانگین فرهنگ شهروندی برای مردان ۱۷۸/۷۹ و زنان ۱۸۱/۷۱ است. با توجه به تفاوت میانگین‌ها و معنی‌دار بودن آزمون T، این فرضیه تأیید شد. در واقع، تأیید فرضیه بیانگر مسأله تاریخی شهروندی و جنسیت در همه جوامع انسانی است، و همواره زنان نسبت به مردان وضعیت نامساعدتری به لحاظ فرهنگ شهروندی دارند.

جدول (۱): نتایج آزمون تفاوت میانگین فرهنگ شهروندی بر حسب جنسیت

جنسیت	فراوانی	میانگین	T	P	درجه آزادی
مرد	۲۰۰	۱۷۸/۷۹		۰/۰۰۰	۳۹۸
زن	۲۰۰	۱۸۱/۷۱	-۰/۷۲		

فرضیه دوم: فرهنگ شهروندی بر حسب وضعیت تأهل شهروندان دارای تفاوت

معناداری است

جدول شماره دوم رابطه میان وضعیت تأهل و فرهنگ شهروندی افراد مورد مطالعه را بر اساس آزمون تفاوت میانگین‌ها (T) نشان می‌دهد. با توجه به سطح معناداری ($P=۰/۰۰۰$)، وجود تفاوت

تحلیل جامعه‌شناختی از وضعیت فرهنگ شهروندی (مورد مطالعه ...

معنی‌دار میان وضعیت تأهل و فرهنگ شهروندی شهروندان تأیید می‌شود. به عبارت دیگر، رابطه‌ی معنی‌داری بین وضعیت تأهل و فرهنگ شهروندی وجود دارد

جدول (۲): آزمون تفاوت میانگین فرهنگ شهروندی پاسخگویان بر حسب وضعیت تأهل

وضعیت تأهل	فراوانی	میانگین	T	مقدار P	درجه آزادی
متاهل	۲۰۰	۱۷۹/۹۰	-۰/۴۱	-۰/۰۰۰	۳۸۵
مجرد	۲۰۰	۱۸۱/۷۲			

فرضیه سوم: فرهنگ شهروندی بر حسب میزان تحصیلات شهروندان دارای تفاوت معناداری است

میانگین فرهنگ شهروندی پاسخگویان به تفکیک میزان تحصیلات به کمک آزمون تحلیل پراکنش یک طرفه بررسی شد. همان‌طور که در جدول شماره ۳ ملاحظه می‌شود، فرضیه مربوط به دو متغیر میزان تحصیلات و فرهنگ شهروندی تأیید نشده است. در واقع، نمی‌توان گفت بین میزان تحصیلات شهروندان و فرهنگ شهروندی آن‌ها در نمونه مطالعه شده تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

جدول (۳): نتایج آزمون تفاوت میانگین فرهنگ شهروندی بر حسب میزان تحصیلات

مدرک تحصیلی	فراوانی	میانگین	F	مقدار P
زیر دیپلم	۱۱۷	۱۷۵/۴۳	۱/۴۲	-۰/۲۳
دیپلم	۵۷	۱۷۷/۹۲		
فوق دیپلم	۱۹۱	۱۸۲/۱۲		
لیسانس و بالاتر	۳۵	۱۸۹/۹۱		

فرضیه چهارم: بین فرهنگ شهروندی و متغیرهای (سن، درآمد، رسانه جمعی، باورهای مذهبی، هویت اجتماعی و آگاهی سیاسی) رابطه معناداری وجود دارد.

جدول (۴): نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین فرهنگ شهروندی و متغیرهای فاصله‌ای (سن، درآمد، رسانه جمعی، باورهای مذهبی،

هویت اجتماعی و آگاهی سیاسی)

متغیر	فراوانی	ضریب همبستگی	مقدار P
سن	۴۰۰	-۰/۰۸۱	۰/۱
درآمد	۴۰۰	۰/۰۶	۰/۱۲۴
استفاده از رسانه جمعی	۴۰۰	-۰/۱۳۰	۰/۰۰۹
باورهای مذهبی	۴۰۰	۰/۲۳۲	۰/۰۰۰
هویت اجتماعی	۴۰۰	۰/۳۹۶	۰/۰۰۰
آگاهی سیاسی	۴۰۰	۰/۱۸۱	۰/۰۰۳

نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین دو متغیر سن و فرهنگ شهروندی در جدول ۴ آمده است. نتایج این آزمون نشان می‌دهد که فرضیه مذکور تأیید نشده است. به عبارت دیگر، بین سن و فرهنگ شهروندی افراد مورد مطالعه، رابطه‌ی معنی‌داری یافت نشد. رابطه میان میزان درآمد و فرهنگ

شهروندی افراد مورد مطالعه با توجه به سطح معناداری به دست آمده ($P = 0/124$)، معنادار نمی‌باشد. رابطه‌ی میان میزان استفاده از رسانه و فرهنگ شهروندی افراد مورد مطالعه با توجه به سطح معناداری به دست آمده ($P = 0/009$)، معنادار می‌باشد. لذا فرضیه ما مبنی بر وجود رابطه بین میزان استفاده از رسانه و فرهنگ شهروندی تأیید می‌شود. بین باورهای مذهبی و فرهنگ شهروندی رابطه معنی‌دار وجود دارد؛ بنابراین، این فرضیه تأیید می‌شود. میزان همبستگی $0/232$ است که حاکی از رابطه‌ی مستقیم بین دو متغیر است؛ به عبارت دیگر، شهروندانی که پایبندی بیش‌تری به باورها و آموزه‌های دینی دارند، از سطوح بالاتر فرهنگ شهروندی برخوردارند. ضریب همبستگی پیرسون بین هویت اجتماعی و فرهنگ شهروندی حاکی از وجود رابطه معنی‌دار بین این دو متغیر است؛ بنابراین، این فرضیه تأیید می‌شود. میزان همبستگی $0/396$ است که حاکی از رابطه‌ی مستقیم بین دو متغیر است؛ به عبارت دیگر، شهروندانی که هویت اجتماعی قوی‌تری دارند، از سطوح بالاتر فرهنگ شهروندی برخوردارند. رابطه میان میزان آگاهی سیاسی و فرهنگ شهروندی با توجه به سطح معناداری به دست آمده ($P = 0/02$)، معنادار می‌باشد. لذا فرضیه ما مبنی بر وجود رابطه بین میزان آگاهی سیاسی و فرهنگ شهروندی تأیید می‌شود.

تحلیل رگرسیون چند متغیره؛ به منظور بررسی ارتباط هم‌زمان متغیرهای مستقل با میزان فرهنگ شهروندی، از رگرسیون چند متغیره با روش گام به گام استفاده شد. همان گونه که در جدول ۵ مشاهده می‌شود، متغیرهای هویت اجتماعی، باورهای مذهبی، استفاده از رسانه و آگاهی سیاسی در مجموع، $22/5$ درصد از تغییرات فرهنگ شهروندی را تبیین کردند. سایر متغیرهای مدل، رابطه‌ی معنی‌داری با متغیر وابسته در معادله رگرسیون بر جای نگذاشته و از مدل خارج شدند. هم‌چنین در این مدل، ضریب همبستگی چندگانه $0/475$ می‌باشد.

جدول (۵): متغیرهای وارد شده در معادله رگرسیون فرهنگ شهروندی

نام متغیر	R	R2	Beta	T	Sig.T	F	Sig.F
هویت اجتماعی	0/404	0/163	0/306	5/49	0/000	27/29	0/000
میزان دینداری	0/423	0/179	0/211	3/79	0/000	20/32	0/000
استفاده از رسانه جمعی	0/457	0/208	0/202	3/71	0/000	22/25	0/000
آگاهی سیاسی	0/475	0/225	0/219	3/69	0/000	21/12	0/000

بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به اینکه فرهنگ شهر و شهروندی از الزامات اساسی حل مسایل شهری و بحران‌های شهرنشینی است، آگاهی از میزان و کیفیت و عوامل تاثیر گذار بر آن، لازمه توسعه همه جانبه جوامع است. این پژوهش با هدف بررسی و شناخت فرهنگ شهروندی شهروندان اقلیدی و هم‌چنین تبیین

ارتباط متغیرهایی هم‌چون سن، درآمد، وضعیت تأهل، میزان تحصیلات، میزان استفاده از رسانه، هویت اجتماعی، باورهای مذهبی و آگاهی سیاسی با فرهنگ شهروندی انجام گرفته است.

نتایج توصیفی پژوهش نشان می‌دهد که شهروندان اقلیدی در ابعاد سه‌گانه شهروندی یعنی مشارکت‌جویی، مسئولیت‌پذیری و رعایت قوانین و در نهایت پایبندی به اصول شهروندی در حد متوسط هستند. یافته‌ی تحقیق در این زمینه با پژوهش‌های همتی و احمدی (۱۳۹۲)، فتحی و ثابتی (۱۳۹۱)، هاشمیان‌فر و گنجی (۱۳۸۸) و اذانی و همکاران (۱۳۹۰) که بیان می‌کنند میزان فرهنگ شهروندی افراد مورد بررسی در حد متوسط است، همسو و هماهنگ است. از دیگر یافته‌های پژوهش می‌توان به رابطه‌ی معنادار باورهای مذهبی، میزان استفاده از رسانه و متغیرهای زمینه‌ای (جنسیت و وضعیت تأهل) با فرهنگ شهروندی اشاره کرد. نتایج این بخش از تحقیق نیز مؤید یافته پژوهش‌های نوروزی (۱۳۹۰)، موحد و عباسی (۱۳۸۸) و امانیان (۱۳۹۰) می‌باشد. به‌علاوه تأیید فرضیه آگاهی سیاسی با پژوهش‌های لطف‌آبادی (۱۳۸۵)، هاشمیان‌فر و عجمی (۱۳۹۱) همسوست.

هم‌چنین فرضیات مبنی بر وجود رابطه بین سن و میزان تحصیلات پاسخگویان با فرهنگ شهروندی تأیید نگردید. در معادله رگرسیونی نیز سه متغیر هویت اجتماعی، باورهای مذهبی، میزان استفاده از رسانه و آگاهی سیاسی وارد شدند که در مجموع این چهار متغیر توانسته‌اند ۲۲/۵ درصد ($R^2=0/225$) از تغییرات متغیر وابسته را پیش‌بینی کنند.

در نتیجه‌گیری کلی می‌توان اذعان نمود که شهروندی در ایران پدیده‌ای نو و در حال تحقق است، از این رو شناسایی عوامل تأثیرگذار بر آن و موانع فراروی آن ضرورت دارد. برای گسترش و توسعه فرهنگ شهروندی در جامعه ایران و از جمله شهر اقلید، می‌توان از رهیافت آموزش به طرق مختلف استفاده کرد. در این راستا رسانه‌های محلی نیز می‌توانند با تولید برنامه‌های مرتبط و آگاه‌سازی هر چه بیش‌تر مردم در این زمینه، موثر واقع شوند. همچنین، از آنجا که دین یکی از مهم‌ترین منابع ایجاد فرهنگ شهروندی است، لذا باید آموزه‌های شهروندی متناسب با نیازهای دینی و فرهنگی هر جامعه خاص عرضه گردد. در این زمینه با توجه به پایبندی مردم اقلید به آموزه‌های دینی، می‌توان از ظرفیت فرهنگی مساجد و دیگر اماکن مذهبی برای ترویج و گسترش اصول شهروندی بهره جست.

در مجموع می‌توان گفت که تحقق شهروندی در حد مطلوب، محصول جامعه‌ای است که در آن ارزش‌ها و معیارهای همه شمول و همگانی مبنای قضاوت افراد قرار می‌گیرد. نگرش عام‌گرایانه در ابعاد متعدد، برابری مادی و غیر مادی، عدم تبعیض جنسی، عدم وابستگی‌ها و برتری‌ها بر شهروندی تأثیر دارد. با توجه به یافته‌های پژوهش پیشنهاداتی در قالب موارد زیر ارائه می‌گردد:

- به‌کارگیری منابع دینی و اخلاقی جهت تسهیل هر چه بیش‌تر نهادینه کردن فرهنگ شهروندی در اذهان شهروندان.

- از آن جا که جامعه ایران از تنوع قومی و فرهنگی برخوردار است، باید بستر اجتماعی و فرهنگی پدیده شهروندی را با رویکردهای ارزشی، بومی و محلی آن خرده فرهنگ متناسب کرد.

- نظر به اینکه ایستارهای جامعه ایرانی مانع نهادینه کردن و عمل به اصول شهروندی می‌گردد، تغییر نگرش از راه آموزش امری اجتناب ناپذیر است. نیل به این مقصود بهره‌گیری آگاهانه از رسانه‌های جمعی در کنار آموزش و پرورش پویا می‌باشد.

- تدوین و برنامه‌ریزی جهت آگاه و توانمندسازی شهروندان از وظایف و تکالیف و هویت شهروندی. در راستای نیل به این هدف، رسانه‌ها و وسایل ارتباط جمعی در جهت آموزش و فرهنگ‌سازی، آگاه نمودن شهروندان از حقوق و تکالیف شهروندی و حمایت از سازمان مردم نهاد می‌توانند نقش مؤثری را ایفا کنند.

منابع

- اذانی، مهری، حاتمی، مجتبی و حاتمی، حسین. (۱۳۹۰). «تحلیلی بر فرهنگ شهروندی در شهر یزد»، برنامه‌ریزی فضایی، س ۱، ش ۱: ۸۱ تا ۱۰۲.
- ترکمان، فرح و بهمن پور، سکینه. (۱۳۸۹). «نقش شهروندی بر اساس کتاب‌های علوم اجتماعی دبیرستان»، علوم رفتاری، س ۲، ش ۳: ۹ تا ۲۹.
- حقیقتیان، منصور و فرنام، محمد. (۱۳۹۱). «بررسی عوامل اجتماعی رعایت قوانین شهروندی در بین شهروندان اردبیلی»، مطالعات شهری، س ۲، ش ۴: ۱۷۱ تا ۲۱۴.
- خواجه‌نوری، بیژن. (۱۳۸۵). «بررسی رابطه‌ی مؤلفه‌های فرآیند جهانی شدن و مشارکت اجتماعی زنان؛ مطالعه موردی: تهران، شیراز، اصفهان»، رساله دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه شیراز.
- عاملی، سعیدرضا. (۱۳۸۰). «تعامل جهانی شدن، شهروندی و دین»، نامه علوم اجتماعی، ش ۱۸: ۱۵۰ تا ۱۷۵.
- فالکس، کیث. (۱۳۸۱). شهروندی، ترجمه‌ی محمد تقی دلفروز، تهران: انتشارات کویر.
- کتابی، محمود؛ گنجی، محمد؛ احمدی، یعقوب و معصومی، رضا. (۱۳۸۳). «دین، سرمایه اجتماعی و توسعه اجتماعی فرهنگی»، مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان، ج ۷، ش ۲: ۱۶۹ تا ۱۹۲.
- لطف آبادی، حسین. (۱۳۸۵). «آموزش شهروندی ملی و جهانی همراه با تحکیم هویت و نظام ارزشی دانش آموزان»، فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، سال ۵، شماره ۱۷، صص ۱۱-۴۴.
- محمودی، محمدتقی. (۱۳۹۰). «تحلیل محتوای کتاب‌های درسی تعلیمات اجتماعی دوره راهنمایی تحصیلی از منظر نوع رویکرد آموزش شهروندی»، فصلنامه پژوهش در برنامه‌ریزی درسی، س ۲، ش ۱-۲: ۹۶ تا ۱۰۸.

تحلیل جامعه‌شناختی از وضعیت فرهنگ شهروندی (مورد مطالعه ...

- موحد، مجید؛ عباسی شوازی، محمد تقی، و دلبر، محمد. (۱۳۸۸). «دینداری و حقوق شهروندی: بررسی جامعه‌شناختی رابطه دینداری و حقوق شهروندی». جامعه‌شناسی، س ۲، ش ۳: ۱۴۴ تا ۱۶۶.
- مهدوی، محمدصادق و اسمی جوشقانی، زهرا. (۱۳۹۲). «نگاهی جامعه‌شناختی به عوامل اجتماعی مؤثر بر اخلاق شهروندی جوانان کاشان». مطالعات جامعه‌شناختی شهری، س ۳، ش ۸: ۱ تا ۳۰.
- هاشمیان فر، علی؛ عجمی، شهرزاد. (۱۳۹۱). «بررسی فرهنگ شهروندی ساکنان بافت حاشیه‌ای شهر اصفهان». مطالعات شهری، سال ۲، شماره ۳، صص ۲۰۹-۲۳۰.
- هاشمیان فر، علی و گنجی، محمد. (۱۳۸۸). «تحلیلی بر فرهنگ شهروندی در شهر اصفهان». جامعه‌شناسی کاربردی، س ۲۰، ش ۳۳: ۲۵ تا ۴۴.

- Akar, B. (2012). Teaching for Citizenship in Lebanon: Teacher Talk About the Civics Classroom. *Teaching and Teacher Education*, No. 28, pp. 470-480.
- Alabas, R. (2010). Primary school students' conceptions of citizenship. *Procedia Social and Behavioral Scienc*, .No. 2, pp. 2528-2532.
- Barbalet, J. (2010). Citizenship in Max Weber. *Journal of Classical Sociology*, No.10. pp.201-216.
- Flum, H and Rachel Gali, C. (2011). Immigration and the Interplay among Citizenship, Identity and Career: The Case of Ethiopian Immigration. *Journal of Vocational Behavior*, No.78, pp. 372-380.
- Janoski, T. (1998). *Citizenship and Civil Society*. London: Cambridge university press.
- Marshall, T.H(1950). *Citizenship and Social Class*, Combridge: Cambridge University Press.
- Turner, B. (1986). *Citizenship and Capitalism*. London: Allen and Uniwin.
- Turner, B. (1990). Outline of a Theory of Citizenship. *Sociology*. Vol.24, No.2, 189-217.
- Turner, B. (1993). Postmodern Cucture/ Modern Citizens, in B. Van Steenberg (ed). *The Condition of Citizenship*. London: Sage.